

گذشت کاروان عمر نرمک نرمک ما را به یکمین سالگرد درگذشت دکتر عبدالحسین زرین کوب نزدیک می‌سازد و جای خالی او را دیگر بار به خاطرمان می‌آورد که در سایه گسترده این درخت پربرگ و بار بود که تمامی رهروان و دل‌بستانان ادب و فرهنگ فارسی و ایرانی، فرصت آسایش می‌یافتند.

استاد ما دکتر عبدالحسین زرین کوب دانش‌آموخته و رهرو نهضت نوین فرهنگی ایران بود که از سالهای آغازین سده اخیر، با ظهور فرهیختگانی چون علامه علی‌اکبر دهخدا، علامه محمد قزوینی، ملک‌الشعرای بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، مجتبی مینوی، دکتر محمد معین، دکتر ذبیح‌الله صفا، عباس اقبال آشتیانی، ابراهیم پورداود و... آغاز گشته و می‌کوشید تا با نگاهی منتقدانه و عالمانه، به میراث ادبی و فرهنگی ایران زمین، گوهر بی‌همتای ادب و فرهنگ فارسی را از ویرانی و آلودگی رهانیده و زبان کهن

فارسی را از حشو و زوائد بیجا پیراسته و نهال ادبیات نوین ایران را بارور سازد.

از این روی، دکتر زرین کوب به نسلی از دانشوران ایران تعلق داشت که مفهوم امروزین و ژرف سنت و فرهنگ ایرانی را پرورش داده‌اند. فعالیت شبانه‌روزی این مرد برجسته و کم‌نظیر در راستای اهداف ژرف وی و دیگر یاران متقدم و متأخرش، شکل دهنده نهایی‌ترین تصویر توصیف عالمانه از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران زمین است. دکتر زرین کوب در دوره‌ای برای تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قدم نهاد که هنوز استادان بزرگ زبان و ادبیات فارسی همچون بدیع‌الزمان فروزانفر، ملک‌الشعرای بهار، عباس اقبال آشتیانی و... در قید حیات بودند. در واقع ویژگی خاص این گروه آن بود که جملگی بلاواسطه، دانش‌آموخته مدارس سنتی و لاجرم بر مباحث و مبانی سنتی ادب ایران، که علاوه بر لغت و معانی و بیان و بدیع، با علوم دیگر از قبیل

حکمت، تصوف و قرآن و حدیث سخت آمیخته است، مسلط بودند. با این همه، آنچه بیش از همه با ادبیات کهن ایرانی و به‌ویژه نثر فارسی پیوند خورده، تاریخ است. همین رابطه تنگاتنگ است که موجب خلق شاهکاری عظیم چون شاهنامه گردیده که هم تاریخ است و هم ادب؛ یا تاریخ بیهقی که آکنده از ظرائف و توصیفات متعالی ادبی و همچنان، از بهترین نمونه‌های نثرنویسی فارسی است. و در پرتو همین سنت بود که استادان نامداری چون قزوینی، تقی‌زاده، فروغی، نفیسی، عباس اقبال و... جملگی در هر دو زمینه ادب و تاریخ، برجسته شدند و همچنان پیوستگی این دو معنا را در بستر هویت فرهنگی ایران زمین حفظ کردند.

استاد ما نیز ادیب و تاریخ‌نگار بود. در او تاریخ و ادبیات در هم پیوسته بود؛ تاریخ را از چشم ادبیات می‌دید و در ادبیات، تاریخ را می‌جست. در این باره خود چنین می‌گفت که: «در هیچ زمینه



عبدالحسین زرین کوب

و نهضت نوین

فرهنگی ایران

علی دهباشی



به اندازه تاریخ، وقت صرف نکردم و در هیچ زمینه هم به قدر تاریخ، با دشواریهای یأس انگیز مواجه نشدم... حتی در اشتغال به حکمت و عرفان و در مطالعات راجع به کلام و ادیان، همه چیز را از پشت عینک تاریخ نگاه کردم. تاریخ برای من تبلور اندیشه‌ها و تجربه‌های انسانی شد. در حکمت، در عرفان، در هنر و ادبیات مواردی بود که به جد و با تأمل، جوهر و حقیقت نکته مورد نظر را در تاریخ می‌یافتیم. از همان ایام با تاریخ بزرگ شدم، با تاریخ خوگر شدم و هر جا برایم مشکلی پیش آمد، جوابش را از تاریخ گرفتم. در مدارس سالها تاریخ تدریس کردم - از سوم و مصر تا انقلاب اکتبر و جنگ جهانی - در دانشکده‌ها، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ ادیان، تاریخ علوم و تاریخ ادبیات و هنر، موضوع عمده درس و مسأله عمده تحقیق در سالهای عمرم بود. «(نقل از حکایت همچنان باقی)». حاصل سالها ممارست و مطالعه وی را در متون مختلف ادبی و تاریخی عربی و فارسی، در جامعیت آثار وی می‌توان دید.

ولی این جامعیت آثار، تنها نتیجه تحقیق و تدبیر در متون کهن نبوده بلکه به همان میزان که او در منابع کهن مطالعه داشت، در تحقیقات جدید و روشمند و تطبیقی اروپائیان نیز تسلط بود. دکتر زرین کوب در سالهای نوجوانی، انگلیسی و فرانسوی آموخت. در دوران جنگ دوم از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی حاضر در ایران، این دو زبان را نیز فراگرفت و بعدها در دوران تدریس در دانشگاه کالیفرنیا، به یادگیری زبان اسپانیایی پرداخت. آشنایی با این زبانها به او امکان می‌داد تا از آخرین تحقیقات اروپائیان در ادبیات ایران و مشرق زمین، همچنین ادبیات تطبیقی بهره گیری؛ علاوه بر آن در بنیادهای فکری غربیان به خوبی تفکر و تدبیر نماید. جامعیت آثار وی نیز از همین سرچشمه می‌گرفت که او از نگاه امروز به گذشته می‌نگریست و از نگاه سنت، در پدیده‌های امروزین نظر می‌افکند. غرب را به خوبی و بر مبنای چند دهه مطالعه و تدبیر در بنیادهای فکری غربیان شناخته و آنگاه تلفیقی نیک از روشها و سنجه‌های مغرب زمین و مظهر فرهنگ و ادب ایران ارائه کرد.

با این حال بهره‌گیری وی از غربیان، تنها در برگرفتن آن دیدگاهها و سنجه‌ها محدود نمی‌شد؛ بلکه در روش کار نیز بسیار از آنان آموخته بود. در طول مطالعات طولانی و ممتد خود، مداوم از مطالب، یادداشت برمی‌داشت که حاصل آن یادداشتها را می‌توان در تعلیقات فرلوانی که در

انتهای کتابهای وی جای دارند، مشاهده کرد. این تعلیقات متعدد، که گاه حتی خسته‌کننده به نظر می‌رسند، خواننده را از دیدگاهها و نظریات موجود قدیم و جدید آگاه می‌سازد؛ در عین حال صحت رأی نویسنده را، که بر مبنای علمی و منطقی استوار گردیده، نشان می‌دهد. این ویژگی در آثار دکتر زرین کوب است که تحقیقات او را از سایر محققان همعصر وی متمایز و مشخص ساخته و آن را به عنوان بهترین نمونه تحقیق علمی ممتاز می‌گرداند. در عین حال در این آثار نشانه‌ای از خشکی معمول در تحقیقات علمی به چشم نمی‌خورد و همین امر موجب گردیده تا آثار دکتر زرین کوب با استقبال خوانندگان عادی و غیر دانشگاهی نیز روبه‌رو شود.

براستی رمز اقبال خوانندگان معمولی به آثار زرین کوب چیست؟ چه عاملی موجب شده تا علی‌رغم اشاره و ذکر نامها و شخصیت‌های بشمار و انبوه یادداشتها و نظریات متفاوت، که به نظر شخص غیر محقق گنج‌کننده می‌نماید، کتابهای وی چون ورق زر، برخوردار و مطالب آن شیرین‌تر از عسل باشد؟ پاسخ این سؤال را باید در نثر زرین کوب جستجو کرد. او که برخلاف بسیاری از همعصران خود، ارتباط نوشتاری با مخاطب را بر رابطه گفتاری ترجیح می‌داد، از نثری آهنگین و پر از تلمیح استفاده می‌کرد که حقیقتاً معیاری برای پارسی‌نویسی صحیح در عصر ما محسوب می‌شود. او که خود یکی از صاحب نظران نقد ادبی در دوران ما بود، با تسلط بر فنون بلاغت و غور در آثار ادبی درجه اول فارسی توانست با تکرار و چاب‌جایی اجزای جمله، استفاده از جملات استعفاهی، به نثری جاندار دست یابد که جفاقت موضوع را با شیرینی گفتار دو چندان می‌نمود. به‌واقع ارتباط او با نسل بزرگی از مخاطبانش - حداقل از دهه چهل تا آخرین سالهای عمرش، یعنی سالهای پایانی دهه هفتاد - زیباترین ارتباط کلامی بوده و کیفیت نثر آثار وی به مکتبی خاص در مفهوم‌نگاری مقولات ادبی، تاریخی و عرفانی ایران بدل گشته است.

آنچه از دکتر زرین کوب به صورت مکتوب باقی مانده، موضوعهای مختلفی را در بر می‌گیرد، درست همانگونه که خود نیز در طول حیات پربارش، نسبت به هر چیزی کنج‌کاو نشان می‌داد. در میان آثار پرشمار وی از شعر و داستان و نمایشنامه تا مباحث تحقیقی مربوط به فرهنگ، ادیان، کلام، تصوف و تاریخ و ادبیات و نقد ادبی و فلسفه تاریخ، برخی ترجمه‌ها نیز به چشم می‌خورد. این ترجمه‌ها یادگار دوران جوانی است و از میان

آنها می‌توان به تاریخ ادبیات فرانسه (ول. سولینه)، بنیاد شعر فارسی (دار مستتر)، شرح قصیده ترسائیه (مینورسکی)، متافیزیک (فلیسین شاله)، برخی قطعات ادبی (نظیر «مازیا» اثر لردبایرون) و مهم‌تر از همه، فن شعر (ارسطو) اشاره کرد.

در میان تألیفات وی، نخستین گروه آثار تاریخی را باید نام برد. اگر از جزوه مختصر «تاریخ تطور شعر و شاعری در ایران» (۱۳۲۳) صرف نظر کنیم، نخستین تألیف بلند دکتر زرین کوب «دو قرن سکوت» (۱۳۲۸) است که شاید بیش از همه آثار وی، با مجادله و مناقشه روبه‌رو شده و احساسات تند را له و علیه خود برانگیخته است. کتاب که از قضاوتها و احساسات تند دوره جوانی در مورد متجاوزین عرب بی‌بهره نیست، دو قرن از تاریخ ایران را از حمله اعراب و سقوط سلسله ساسانی تا برآمدن صفاریان در سیستان، مورد بررسی قرار می‌دهد. وجه تسمیه کتاب نیز آن است که در این دو قرن، اثری از نوشتار فارسی دیده نمی‌شود. در هر حال آن قضاوت‌های تند در اثر تاریخی بعدی نویسنده (تاریخ ایران بعد از اسلام، ۱۳۴۳) تعدیل شد؛ گر چه این کتاب نیز در محاق سانسور زمان گرفتار شد و فصلی از آن حذف جلد دوم آن نیز معدوم و در نهایت تنها بخشی از جلد اول آن در سال ۱۳۵۰ منتشر گردید. هر چند که فصل حذف شده سرانجام در دهه ۱۳۶۰ با عنوان «دفتر ایام» به چاپ رسید. «دفتر ایام» با این جمله آغاز می‌گردد: «پادشاهان جهان از بدرگی، دنیا را همواره به خاک و خون کشیده‌اند و کسانی را که در فطرت با آنها هیچ تفاوت نداشته‌اند، در زنجیر یاسهای خودخواهانه خویش به بندگی و فرمانبرداری واداشته‌اند.» بی‌دلیل نبود که تاریخ ایران با آن همه دشواری روبه‌رو شد. تاریخ ایران گرچه به علت کژفهمیها، نیمه کاره ماند و تنها جلد اول آن تا پایان روزگار صفاریان مجال چاپ یافت، به دلیل فصل اول خود که شامل تحقیقی منحصر به فرد در منابع تاریخ ایران است، همواره محل مراجعه محققان قرار خواهد گرفت.

دو کتاب بعدی «بناماد اسلام» (۱۳۴۶) و «کارنامه اسلام» (۱۳۴۸) گرچه کوتاه، ولی بدون شک شاهکارهای تاریخ‌نگاری نویسنده محسوب می‌گردند. کتاب اول به تاریخ اسلام از ظهور تا پایان دولت اموی می‌پردازد و کتاب دوم دستاوردهای اسلام را برای جامعه بشری جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد. هر دو کتاب از نثری حماسی و لحنی موجز بهره داشته و عاری از هر گونه ایجاز مختل و اطناب ممل، به رشته تحریر در

آمده‌اند و بدون شک از آثار ماندگار نویسنده محسوب می‌گردند.

کتاب بعدی «تاریخ در ترازو» (۱۳۵۴) حاوی تفکرات نویسنده درباره فلسفه تاریخ و تاریخنگاری است، که قاعده‌تاً باید مبنائی برای نگارش دو اثر بعدی تاریخی وی، «تاریخ مردم ایران» (جلد اول ۱۳۶۴ و جلد دوم ۱۳۶۷) و «روزگاران ایران» (۳ جلد ۱۳۷۵) قرار گرفته باشد؛ هر چند که یافتن چنین رابطه‌ای دشوار می‌نماید. در عین حال روزگاران را می‌توان به نوعی برآورده شدن رؤیای دیرینه دکتر زرین کوب، برای نگارش یک دوره کامل تاریخ ایران ارزیابی کرد و هر چند که این اثر از ثبت کامل وقایع و رویدادهای تاریخی بسیار فاصله دارد، در عین حال تأملات نویسنده را درباره ادوار مختلف تاریخ ایران و نیروها و عوامل دخیل در بر دارد.

نقد ادبی و معیارهای آن، دومین گروه از آثار دکتر زرین کوب است. نگارش «رساله تاریخ تطوّر شعر و شاعری در ایران» در عنقوان جوانی، بخوبی

ردپای این موضوع را در اندیشه‌های نویسنده نشان می‌دهد؛ کما آنکه در کنار ترجمه «فن شعر» ارسطو، موضوع رساله دانشنامه خود را نیز به نقد ادبی اختصاص داد. این رساله پس از تکمیل با عنوان «نقد ادبی» در سال ۱۳۳۸ در دو جلد به چاپ رسید که همچنان یکی از کتب مرجع فارسی در این زمینه محسوب می‌گردد. «شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب» (۱۳۴۶) و «آشنایی با نقد ادبی» (۱۳۷۲) آثار دیگر دکتر زرین کوب، در بررسی و تدوین معیارهای نقد ادبی است که به‌ویژه کتاب اول به دلیل اشتغال مباحثی در خصوص نقد شعر قدیم و معاصر، واجد اهمیت هستند.

جدای از آثار فوق، که به بررسی اصول نظری نقد ادبی اختصاص دارد، دکتر زرین کوب را باید یکی از پرکارترین نویسندگان در زمینه نقد عملی به حساب آورد. مقالات وی در این زمینه که از سالهای جوانی در مجلات ادبی عصر همچون «سخن»، «یغما»، «ارهنمای کتاب» و... به چاپ می‌رسید، چنان تشخیص و معرفیتی داشتند که مورد علاقه

بزرگانی چون ملک‌الشعراى بهار و علامه محمد قزوینی قرار گرفتند؛ و این گونه که مرحوم حبیب یغمایی گفته است، ملک‌الشعراى بهار «چون مجله یغما به دستش می‌رسید، نخست مقاله وی را می‌خواند و به من سفارش می‌کرد که در هر شماره از زرین کوب، مقالاتی داشته باشیم.» (نقل از «ارمغانی برای زرین کوب» (ادبیات قدیم و جدید هر دو، محل توجه دکتر زرین کوب بود؛ کما آنکه در سالی که به دلیل مسافرت سردبیر ثابت آن، ایرج افشار، مسؤلیت سردبیری مجله «ارهنمای کتاب» بدو سپرده شد، بخشی را برای بررسی ادبیات معاصر در آن گشود که پس از وی نیز ادامه یافت. با این همه، خود گفته بود که «در نقد شعر از درگیری به آنچه «منتقد» را در مشاجرات حادّ هر روزینه وارد می‌کند، عمداً پرهیز کردم؛ چرا که این مشاجرات محیط تفاهم می‌خواهد و بدون آن، هر چه به نام نقد عرضه شود، نقد بازار است.» نقش بر آب در هر حال مقالاتی چون نقد «از صبا تا نیما» و یا دلوریهای وی در «از گذشته ادبی ایران»، از نمونه‌های ماندگار



علی دهباشی

نقد ادبی صحیح و راهگشا در روزگار ماست. تحقیقات در باب زبان و فرهنگ و نیز ادبیات ایران، موضوعی بود که در سراسر دوران حیات توجه دکتر زرین کوب را به خود مشغول داشت و در سایه این فعالیت پیگیر توانست فهم ایستا و ناپیراسته چند نسل قبل را به تدریج و در پرتو نهضت نوین ادبی ایران دگرگون سازد. به انگار او «امروز دیگر نمی‌توان آنچه را «تاریخ ادبیات» و «سبک‌شناسی» می‌خوانند، از قلمرو «نقد ادبی» بیرون شمرد. چون، آنچه نسل امروز از نقد و ادیب می‌خواهد فهم درست شعر و ادب گذشته و قضاوت درست در آن باب است. تحقیق در سرگذشت شاعر و محیط او، مطالعه در نسخه‌های موجود از آثار شاعر، شیوه زبان و بیان او، و این‌گونه مباحثه اگر چه در جای خود مهم است لیکن به هر حال جز بدان قدر که ضرورت دارد، مطلوب نیست و افراط در این بحثها، سبب خواهد شد که مردم - خاصه جوانان - از ادب واقعی که مطلوب آنهاست، مهجور بمانند و بیهوده در جستجوی آنچه مطلوب نیست، سرگشته شوند.» (از مقدمه با «کاروان حله»).

مجموعه‌ای از مقالات او که با نام با «کاروان حله» منتشر شد و حاوی تحقیقی در احوال بیست شاعر فارسی زبان از رودکی تا بهار است، به زبان اردو نیز ترجمه و منتشر شد. مقاله «جهان صائب» با گذشت چندین دهه از تالیف آن هنوز سخت خواندنی است. «از گذشته ادبی ایران» (۱۳۷۵)، که نوعی تاریخ ادبیات محسوب می‌شود، در کنار «سیری در شعر فارسی» (۱۳۶۳)، دانشجوی جوان را با سلاحی برای بازشناختن سره از ناسره در ادبیات فارسی مجهز می‌سازد.

در عین حال تتبع استاد تنها به زمینه‌های ادبی منحصر نمی‌گردد، بلکه جنبه‌های گوناگون فرهنگ ایران از باورها و خرافات عامه مردم درباره جن یا استخاره تا آداب و سنن مردم نظیر سفره ایرانی، در کنار تحقیق در خصوص تسامح کوروشی یا «از گذشته تاریخی ایران چه می‌توان آموخت؟» که به صورت مقالات متعدد در کتابهای «نه شرقی، نه غربی، انسانی»، یادداشتها و اندیشه‌ها و از چیزهای دیگر گرد آمده‌اند، نشانگر وسعت دامنه تحقیقات وی در زمینه فرهنگ ایران است.

ولی کدام محقق است که به تحقیق در عرصه ادب و فرهنگ ایران بپردازد و بتواند از بحث درباره آنچه یکی از پرشکوه‌ترین و رفیع‌ترین قله ادبیات و فرهنگ فارسی شمرده می‌شود، یعنی تصوف و عرفان، برکنار بماند. به واقع آثاری که دکتر زرین کوب در این پهنه آفریده، از بدیع‌ترین

و ابتکاری‌ترین نوشته‌های وی است. در اینجا ما نه تنها با تثر و کیفیت تنوینی منحصر به فرد، بلکه با دیدگاهی نو و نگاهی تحلیلی - انتقادی آشنا می‌شویم. بهترین نماینده این آثار، هم به لحاظ ساختاری، هم بحث نظری، هم نثر عالی و هم محتوای منحصر به فرد در ایران، همانند ندارد. ارزش میراث صوفیه، جستجو در تصوف ایران، دنباله جستجو در تصوف ایران به کتابهایی مرجع و ماندگار در موضوع خود تبدیل شده است. پنجمین گروه از نوشته‌های دکتر زرین کوب را تک نگاریهای متعدد او درباره بزرگان ادب و عرفان فارسی تشکیل می‌دهد. از این دسته آثار اوست «از کوچه زندان» درباره حافظ که با بررسی منابع عصر و جستجو در اشعار شاعر با بیانی شیوا و بلیغ به بازسازی وقایع دوران حیات وی - به‌ویژه در شیراز پرداخته و از خلال آن، در زندگی و سپس در اندیشه شاعر، به کندوکاو می‌پردازد و پس از نومی از یافتن وی در مسجد و خانقاه، سرانجام سراغ او را در کوچه زندان می‌گیرد. «فرار از مدرسه» همچون اثر پیشین، تسلط نویسنده را بر منابع عصر و رویدادهای تاریخی دوران حیات امام محمد غزالی، بخوبی نمایان می‌سازد و «صدای بال سیمرغ» به زندگی و اندیشه عطار می‌پردازد، و همانندی بسیار وی را با امام محمد غزالی کشف می‌کند. در دیدگاه دکتر زرین کوب، «غزالی» و «عطار» دو پایه مثلثی هستند که رأس آن را مولوی تشکیل داده و بر روی هم، تجلی‌گاه اوج عرفان ایرانی هستند. حاصل تلاشهای استاد برای بررسی متعالی‌ترین چهره عرفان ایرانی، یعنی مولوی، که در کتابهای «سرنوی» «بحر در کوزه»، «بلبله تا ملاقات خدا» و کتاب «گمشده نزدبان آستان» - که گویا خوشبختانه بخشهایی از آن کتاب را دکتر زرین کوب مجدداً به قلم در آورده و قرار است با نام «نزدبان آستان» منتشر گردد - گنجانده شده است. او را به عنوان یکی از خیره‌ترین مولوی‌شناسان عصر ما مطرح می‌سازد. دیگر تک‌نگاریهای وی یعنی «شعله‌طور» درباره زندگی و اندیشه حلاج، و «بیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد»، درباره نظامی گنجوی و خمسة بی‌مانند او، که در طی حیات استاد منتشر گردیدند، همچنین آنچه درباره فردوسی، سعدی و نیز کوروش کبیر در سالهای پایانی عمر خویش به رشته تحریر درآورده و قرار است از این پس منتشر گردد، نشانگر پشتکار و دامنه تلاش استاد در گذشته ما، دکتر زرین کوب است.

آثار استاد در زمینه دین و فلسفه و مکتبهای باطنی و کلامی، ششمین گروه را در دسته‌بندی

نوشته‌های وی تشکیل می‌دهند. این علاقه وی که از سالهای جوانی در مقالات کوتاه چون «زندگه و زنداقه»، «ابن تومرت، مهدی مغربی» و... تجلی می‌یافت، و در سالهای میانسالی در مقالاتی مفصل چون «یگانه یا دوگانه؟ کشمکش خدایان در ایران باستان»، «از آن سوی افق»، «غزالی در اعترافات و اندیشه‌هایش»، «چشم‌انداز فکر معاصر»، «افلاطون در ایران»، «اندیشه فلسفی: جهشها و بن‌بستها». که عمدتاً در «با کاروان اندیشه» به چاپ رسیده‌اند. به گل نشست، در سالهای پسین عمر در کتاب گرانسنگ «در قلمرو وجدان» نمره‌ای به بار آورد که بدون شک در قلمرو بررسی عقاید و ادیان و اساطیر، نظیری برای آن نمی‌توان جستجو کرد.

و سرانجام در آخرین مرحله باید به آفریده‌های ادبی دکتر زرین کوب اشاره کرد که به صورت شعر، داستان و نمایشنامه‌هایی منتشر شده و برخی از آنها همچون داستان «درختهای دهکده» و یا منظومه «با مولانای روم، از سرنوی» سخت به دل می‌نشیند، تا حدی که شاعر پرآوازه معاصر، فریلون مشیری درباره آنها چنین اظهار نظر کرده است که: «هی گمان تنها همین یک شعر و تنها همین یک داستان کافی است که او را به نام شاعری توانا و داستان‌نویسی زبردست بشناسیم.» (نقل از یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب)

در طول این سالهای طولانی، جامعه ایران به افتهای سیاسی و ایدئولوژیک بسیاری دچار شد، اما زرین کوب جز صراط مستقیم فرهنگ و ادب و تاریخ ایران راهی برنگزید و شصت سال بی در پی در آفاق این حقیقت متعالی - ادب و فرهنگ ایران - زیست. زرین کوب فهم ظریف و دید ژرفی را نسبت به ادبیات کلاسیک ایران عرضه کرد و این نگاه و روایت جدید، یعنی نقد و تحلیل و تصحیح آثار ادبی - اعم از منظوم و منثور - اتفاقاً همان نوشداروی عزیزی بود که برای ماندن در جهانی که به سوی «جهانی شدن» و هضم فرهنگهای مقاوم پیش می‌رود، نیازمندش هستیم. بحران هویت که گریبان همه ملت‌های پیرامونی را گرفته، با تلاش مردانی سترگ همچون زرین کوب، نتوانسته در حقیقت و مبانی فرهنگ و هویت تمدنی ایرانیان، خللی وارد آورد. چنین حقی که زرین کوب بر عهده همه ما دارد و رمزهای مصونیت ذهن ایرانی، از بیگانگی و هدم و غارت را به تک‌تک شاگردان و خوانندگانش آموخته است، بزرگ‌ترین میراث این استاد ارجمند و همان داستان گویا و شیوای زندگی اوست.